



حقوق اخوان - قسمت چهارم: مکاشره اصلی

همانطور که پیش از این گفته شد، نوع دیگر اخوان مکاشره کسانی هستند که در اصل از یک پدر و مادریم اما از شیر دشمنان گوشت و پوست آنها روییده، یعنی طیب الذات بوده و خبیث الظاهرند، حال چه از نظر شرعی، اخلاقی و یا اعتقادی.

به هر حال چون دنیا دار ظاهر است، نباید چنین شخصی را برادر قریب خود بگیریم و عشرت دائمی داشته باشیم و او را امین جان و مال و ناموس خود قرار دهیم و مداومت در صحبت و معاشرت داشته باشیم، چرا که به اقتضای خبت ظاهر خیانت کرده و یا تأثیر منفی خواهند گذارد.

البته جز موارد مذکور، سایر حقوق اخوان رضاعی برای ایشان صادق بوده و همچنین حقوق خاصه ای به جهت حرمت نسبی ایشان داریم.

1- ایشان را در دل دوست بداریم.

2- از دشمنان ذاتی ایشان تبری کنیم.

3- مهما ممکن با نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر، سعی بر اصلاح ایشان داشته باشیم، مخصوصا هنگامی که سن ایشان بیشتر میشود و عقلشان کاملتر گشته و شهواتشان میمیرد.

4- برای اصلاح و هدایت ایشان دعا کنیم.

5- قطع صله از ایشان نکنیم.

6- در هنگام مظلومی معین ایشان باشیم.

7- ایشان را بجهت اعراضشان خوار نشماریم.

8- اگر خود متجاهر به فسق نشده اند ما نیز عیوب ایشان را بیوشانیم، اگر چه نزد ما مرتکب کبایر شوند و غیبت ایشان را ننماییم.

10- ضعف ایشان را عفو کرده و توقع اعتدال و قوت و کمال از ایشان نداشته باشیم چرا که اگر ایشان در نزد ما ضعیف و قبیح العمل باشند، ما نیز نزد اعلی خود چنینیم، و به نوعی میتوان گفت که بحث اخوان مکاشره اصلی امری نسبی است.

مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه میفرماید:

اگر بنا بود که عالی دانی را از نظر بیندازد احدی باقی نمی ماند و رسول الله بایستی همه را بیندازد و خدا او را هم بیندازد و این البته درست نیست پس با ایشان برفق و مدارا سلوک کن و مثل این ملاحی ناصالح نباش که فساق را از شدت لعن و طعن و دق از حد فسق بحد کفر میبرند و از اسلام هم بری میکنند بلکه مثل پدر مهربان باش و مانند طبیب شفیق و ایشان را بلطائف تدبیر براه بیاور و ایشان را هدایت کن.

اما معالجه و تقویت این اخوان از سه راه است:

1- نور ولایت را که اصل ایشان از آن است، به ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام است و به هیجان آوردن محبت های کامنه تقویت کنیم، چرا که با تقویت بنیه به یکباره از معاصی منزجر شده و تائب میگردند.

2- امراضی که عرض ایشان است را با ذکر ذمائم اعداء و اظهار قبح اعمال ایشان، دفع کنیم، زیرا هنگامی که عداوت های کامنه ایشان به هیجان آمد، از مجالست و مجانست و تشبه به اعداء دوری خواهند کرد.

3- باید غذاهای مناسب از علوم حقه و دواهای گوارا از مواعظ و نصایح به ایشان خوراند، و در صورتی که به ایشان نساخت و باب میلشان نبود، باید مدارا کرده و نوع دیگری را امتحان نمود.

البته مدارای با این اخوان به معنای تأیید اعمال ایشان و تجویز معاصی نیست، چنانکه امیر المؤمنین علیه السلام میفرماید **أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَقَّ الْفَقِيهِ؟ مَنْ لَمْ يُقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ، وَلَمْ يُرَخِّصْ لَهُمْ فِي مَعَاصِي اللَّهِ.**

یعنی: آیا خبر ندهم بشما که حق عالم کیست؟ کسی که ناامید نکند مردم را از رحمت خدا و ایمن نکند ایشان را از عذاب خدا و رخصت ندهد ایشان را بمعاصی.

مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه در حدیث فوق میفرمایند:

فقره اول را ملاها خلاف کردند و دو فقره آخر را صوفیه خذلهم الله چرا که ایشان مباح کردند بر مریدین خود جمیع فسوق را که مولی سخی است و مردم را جری بر معصیت کردند پس مَثَل ایشان مثل آن جاهلی است که بیمار را جری بر خوردن چیزهای مضر کند و بگوید خدا کریم است بخور و او را باین واسطه بکشد...

دو طایفه کمر همت را بسته‌اند برای کشتن مردم، ملاها از دوا ندادن و صوفیه از امر به ناپرهیزی و کشتن مردم را و سیعلم الذین ظلموا ایّ منقلب ینقلبون پس ای برادر من اعانت بر قتل برادران مکن و همت بر مداوای ایشان بگمار.